

۱



و برخی از آثار آن

محمد مهدی فجری

اطراف، و زندگی مارخ می‌دهد. با نگاهی گذرا می‌توان برای هر یک از موارد فوق، یک یا چند علت جستجو کرد و شاید بتوان به راهکارهای عملی دست یافت که در این باره نویسندگان و گویندگان به تفصیل سخن گفته و از آن بحث کرده‌اند. برخی به جای بررسی علل و عوامل اصلی و زیربنایی، گناه را به گردن عوامل کم‌اهمیت می‌اندازند که نقش اساسی را به عهده نداشته‌اند و یا عوامل موهوم و خرافاتی و خیالی را مطرح می‌کنند. برخی نیز تمام علت بدبختی خود

حوادث و اتفاقات طبیعی و غیرطبیعی، مانند سرمای شدید و برف و یخبندان بی‌سابقه در زمستان، که علاوه بر از بین رفتن محصولات کشاورزی، سبب خسارات بسیار و بروز مشکلاتی در زندگی مردم می‌شود، کاهش شدید نزولات آسمانی و به تبع آن خشکسالی و کمبود آب، تورم بی‌سابقه جهانی، فوت دور از انتظار بسیاری از دوستان و آشنایان در سنین پایین، تصادفات فردی و گروهی بسیار، گسترش اختلافات خانوادگی، سردرگمی فقیر و غنی و دهها مشکل گوناگون دیگر، اموری است که در

مصیبتی به شما رسد، به سبب اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند.»

در این آیه، نکاتی است که باید به آن توجه داشت:

۱. این آیه به خوبی نشان می‌دهد، برخی از مصائبی که دامنگیر آدمی می‌شود، یک نوع مجازات الهی و هشدار است؛ هر چند استثنائاتی دارد و به این ترتیب، یکی از دلایل حوادث دردناک و مشکلات زندگی روشن می‌شود.

جالب اینکه در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم که پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خَيْرَ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ هَذِهِ آيَةُ يَا عَلِيُّ مَا مِنْ خَدِيشٍ عَمِدٍ وَلَا نَكْبَةٍ قَدَمٍ إِلَّا بِذَنْبٍ وَمَا عَفَا اللَّهُ عَنْهُ فِي الدُّنْيَا فَهَوَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِيهِ وَمَا عَاقَبَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا فَهَوَ أَغْدَلُ مِنْ أَنْ يُثَنَّى عَلَى عَبْدِهِ»^۱ این آیه (وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ...) بهترین آیه در قرآن مجید است. ای علی! هر خراشی که از چوبی [بر تن انسان] وارد

را به بیگانگان و سیاستهای مخرب آنها نسبت می‌دهند و عده‌ای، همه این حوادث را مولود گردش موافق و مخالف افلاک می‌پندارند. سرانجام، عده‌ای دست به دامن قضا و قدر - به مفهوم تحریف یافته‌اش - و یا شانس و طالع و اقبال می‌زنند و همه حوادث تلخ و شیرین را از این طریق توجیه می‌کنند؛ اما متأسفانه کم‌تر کسی از نگاه دین به این مسئله پرداخته و آن را تحلیل می‌کند.

از نگاه دین اسلام، بلاها و گرفتاریها علل مختلفی دارد؛ از جمله: آزمایش، شکوفایی، تکامل، تقویت ایمان، هشدار، تأدیب، اجر و پاداش و... که در رابطه با هر یک، آیات و روایات متعددی وجود دارد؛ اما در این نوشتار به یکی از مهم‌ترین علل بلاها، یعنی گناه پرداخته شده است.

عامل مهم حوادث

اسلام، اعمال بشر را عاملی مهم برای حوادث برمی‌شمارد و بر آن تأکید می‌ورزد؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»^۱ «هر

۱. شوری/ ۳۰.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۷۰، ص ۳۱۶.

گاهی نیز بر اثر بی‌دقتی، مشورت نکردن و سهل‌انگاری در امور حاصل می‌شود که اثر تکوینی اعمال خود انسان است.

۳. گاه مصائب، جنبهٔ دسته‌جمعی دارد، و محصول گناهان جمعی است؛ همان‌گونه که در قرآن چنین می‌خوانیم: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^۱؛ «فساد در خشکی و دریا به سبب اعمال مردم آشکار شد تا نتیجهٔ برخی اعمالشان را به آنها بچشانند؛ شاید باز گردند.»

و در آیهٔ دیگری چنین آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ أَفْئَالٍ مَرَدَّةً لَهُ»^۲؛ «خداوند، سرنوشت هیچ جمعیتی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر اینکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند. و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی [به خاطر اعمالشان] کند؛ هیچ چیز مانع آن نخواهد شد.»

۱. بقره/۱۵۵.

۲. روم/۴۱.

۳. رعد/۱۱.

می‌شود، و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است [که از او سر زده است] و آنچه خداوند در دنیا عفو می‌کند، گرامی‌تر از آن است که [در قیامت] در آن تجدید نظر فرماید، و آنچه را که در این دنیا عقوبت فرموده است، عادل‌تر از آن است که در آخرت، بار دیگر کیفر دهد.»

۲. ظاهر آیه، عام است و همه مصائب را در برمی‌گیرد؛ ولی باید دانست مصائب و مشکلاتی که دامگیر انبیا و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام و برخی از اولیاء الهی می‌شده است، برای ترفیع مقام یا آزمایش آنها بوده است. همچنین برخی از گرفتاریهایی که گریبان افراد غیر معصوم را می‌گیرد یا جنبهٔ آزمایش و امتحان دارد؛ چنانکه قرآن به صراحت می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمْرَاتِ وَبَشِيرٍ أَلْسُنِكُمْ»^۱؛ «قطعاً همهٔ شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و به استقامت‌کنندگان بشارت

اجتماع دارد، با بی توجهی مواجه شده است؟ آیا اختلاط زن و مرد در برخی مجالس، گناهی بزرگ محسوب نمی‌شود و چرا نظارت والدین بر فرزندان، جدی گرفته نمی‌شود؟

متأسفانه آنچه بالای اجتماع، خانوادها و به‌ویژه جوانان و نوجوانان شده است، معاصی جدید و سرگرمیهای متنوع و انحرافات تازه‌ای است که روز به روز بر آنها افزوده می‌شود. متأسفانه امروزه، روابط و دوستیهای پسر و دختر، استفاده از انواع مواد مخدر، استفاده ناصحیح از وسایلی همچون: ماهواره، اینترنت، موبایل و... به مسئله‌ای عادی تبدیل شده است؛ همان‌گونه که مشاهده می‌شود، گرفتن عکسهای غیراخلاقی با موبایل و ارسال آن توسط بلوتوس و... به وسایلی برای اشاعه فحشا تبدیل شده است و برخی والدین در مقابل هجوم فیلمها و عکسهای غیراخلاقی و مبتذل، جوانان را آزاد گذاشته و آنان

گاه ممکن است این قضیه در باره فرد فرد انسانها صادق و هر کس در مقابل گناهی که مرتکب می‌شود به مصیبتی در جسم و جان یا اموال و متعلقاتش گرفتار شود؛ همان‌گونه که در آیه فوق آمده است.^۱

بر شما هر چه از مصیبت می‌رسد
زان بود که کسب کردید آن به بد

گناهان جدید و بلاهای جدید

به راستی اگر نافرمانی از فرمان خدا، عامل این همه مشکلات فردی و اجتماعی است و اگر گناه عده‌ای، گریبانگیر همه جامعه می‌شود، پس چرا به آن بی توجه‌اند و گناه کاران شرمنده نمی‌شوند؟ چرا قبیح گناه در جامعه کنونی از بین رفته است؟ چرا برخی، میان مال حلال و حرام فرقی نمی‌گذارند و فقط ثروت و تجملات و مقام، عامل تفاخر است؟ چرا از یکی از مهم‌ترین واجبات، یعنی امر به معروف و نهی از منکر، خبری نیست؟ چرا به نماز که ستون اصلی دین است، بی توجهی شده و پرداخت خمس و زکات، به فراموشی سپرده شده است؟ چرا حجاب و عفاف که نقش مهمی در

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۰، ص ۴۴۱-۴۴۳.

**متأسفانه آنچه بالای
اجتماع، خانواده‌ها و به‌ویژه
جوانان و نوجوانان شده
است، معاصی جدید و
سرگرمیهای متنوع و
انحرافات تازه‌ای است که
روز به روز بر آنها افزوده
می‌شود**

اشاعة فحشا

از آنجا که انسان، یک موجود اجتماعی است، جامعه بزرگی که در آن زندگی می‌کند، از یک نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می‌شود؛ پاکی جامعه به پاکی او کمک می‌کند و آلودگی آن به آلودگی اش. طبق همین اصل، در اسلام با هر کاری که جو جامعه را مسموم یا آلوده کند، به شدت

ناخواسته، در حال فاصله گرفتن از ضروریات دین‌اند. حضرت علی علیه السلام در کلامی، گناهان جدید را عامل بلاهای جدید معرفی کرده، می‌فرماید: «كُلَّمَا أَخَذَتِ النَّاسُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ، أَخَذَتِ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يُعَدُّونَ»^۱ هر چه مردم گناه تازه بکنند، خداوند بلائی تازه‌ای برای آنها به وجود می‌آورد که سابقه نداشته است.»

از طرف دیگر، بی‌توجهی جامعه و والدین باعث شده است تا بسیاری از جوانان از مفسد مخرب چنین سرگرمی‌هایی بی‌اطلاع باشند که افزون بر ضررهای فردی، باعث اشاعة فحشا در جامعه می‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفُحْشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۲ «کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.»

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۲.

۲. نور / ۱۹.

تجاهر به فسق، این سد را می‌شکنند، گناه را کوچک می‌کند و آلودگی به آن را ساده می‌نماید.

در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ می‌خوانیم: «الْمُذْبِحُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَالْمُسْتَتِرُ بِهَا مَغْفُورٌ لَهُ»^۲ فردی که گناه را نشر دهد مخذول و مطرود است و آنکه آن را پنهان می‌دارد، مشمول آمرزش الهی است.»

ذکر این نکته نیز لازم است که «اشاعه فحشا» اشکال مختلفی دارد:

گاه به این است که به دروغ و تهمتی دامن بزنند و برای این و آن بازگو کنند. زمانی به این است که مراکز فساد و نشر فحشا به وجود آید. گاهی به این است که وسائل معصیت در اختیار مردم قرار گیرد و یا به نحوی، آنها را به گناه تشویق کنند. گاه هم به این است که پرده حیا دریده و ارتکاب گناه در ملاء عام ترویج شود. همه اینها

مبارزه شده است. اگر می‌بینیم در آموزه‌های دینی، با غیبت به شدت مبارزه شده است، یکی از فلسفه‌های این است که غیبت، عیوب پنهانی را آشکار می‌سازد و حرمت جامعه را جریحه‌دار می‌کند.

اگر می‌بینیم در اسلام، از تظاهر به گناه^۱ به شدت منع شده و دستور عیب‌پوشی داده شده است، یک دلیلش این است که گناه، همگانی نشود. اگر می‌بینیم معصیت آشکار، اهمیتش بیش از گناه مستور و پنهان است، بر همین اساس است.

اصولاً گناه، همانند آتش است. وقتی این آتش در نقطه‌ای از جامعه روشن شود، باید کوشید تا خاموش، یا دست‌کم محاصره شود؛ اما اگر به آن، دامن زده شود و از نقطه‌ای به نقطه دیگر برده شود، حریق، همه جا را فرا خواهد گرفت و کسی قادر بر کنترل آن نخواهد بود.

از این گذشته، پلیدی گناه در نظر عامه مردم و حفظ ظاهر جامعه از آلودگیها، خود سد بزرگی در برابر فساد است که اشاعه فحشا و نشر گناه و

۱. «فبجَاهِرَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِالْمَغَاصِي تُمْجِلُ الثَّقَمَ؛ آشکارا خدای سبحان را نافرمانی کردن، به کفرها شتاب می‌بخشد»؛ (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۰۰).

۲. الکافی، کلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ش چهارم، ۱۳۶۵ ش، ج ۴، ص ۲۴.

مصدق «اشاعه فحشا» است.

بر خلاف آنکه برخی در برابر امر به معروف و نهی از منکر دیگران ایستادگی می‌کنند و آن را مربوط به خود می‌دانند، اسلام برخی آثار گناه را فردی و برخی را اجتماعی معرفی می‌کند:

آثار فردی گناه

با بررسی آیات و روایات به این نتیجه می‌رسیم که بسیاری از مشکلات در زندگی، متأثر از معصیت الهی است و افراد، بدون در نظر گرفتن این مهم، فرد یا جامعه را مقصر مشکلات خویش می‌پندارند. علت این پندار، آن است که در برخی موارد، رابطه گناه با مصیبتی که از آن ناشی می‌شود، کم و بیش قابل درک است؛ اما در بسیاری موارد، محسوس نیست و شخص، دنبال علت دیگری می‌گردد.

گاه ارتکاب گناه سبب می‌شود انسان از انجام عبادتی محروم شود؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَذُوبُ الذَّنْبُ فَيُخْرَمَ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ عَمَلَ السَّيِّئِ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ»^۱ آدمی گاهی گناه می‌کند و بر

اثر آن از نماز شب محروم می‌شود. تأثیر کار زشت در انسان سریع‌تر از تأثیر کار در گوشت است.»

به سبب ارتباط بین محرومیتها و مصیبتها و گناه است که وقتی مشکل برای برخی بزرگان پیش می‌آید، فکر می‌کردند چه خطایی کرده‌اند که باعث این مصیبت شده است. قساوت قلب،^۲ ذلت و بیچارگی،^۳ گرفتاری و رنج،^۴ بسته شدن مراکز ادراک،^۵ سختی و تنگدستی در زندگی،^۶ تغییر نعمتهای الهی^۷ و... برخی از آثار گناه به شمار می‌رود.

۱. سختی و تنگدستی در زندگی

بسیار مشاهده می‌شود که انسان دست به هر کاری می‌زند با درهای بسته رو به رو می‌شود، و گاهی به عکس به هر جا روی می‌آورد، خود را

۱. المحاسن، محمد بن خالد برقی، قم، دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۱۱۵.
۲. انعام/ ۴۲ و ۴۳.
۳. بقره/ ۶۱.
۴. شوری/ ۳۰.
۵. نحل/ ۱۰۸.
۶. طه/ ۱۲۴.
۷. انفال/ ۵۳.

را اعراض از یسار حق دانسته، می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^۲؛ «او هر کس از یاد من روی بگرداند، زندگی [سخت و] تنگی خواهد داشت.»

همان‌گونه که یاد خدا مایه آرامش جان، تقوا و شهامت است، فراموش کردن او مایه اضطراب، ترس، نگرانی و سختی در زندگی می‌شود.

در روایات اسلامی می‌خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «منظور از آیه «مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» چیست؟» فرمود: «اعراض از ولایت امیر مؤمنان علیه السلام است.»^۳

آری، شخصی که از حضرت علی علیه السلام الگو بگیرد، زندگی گشاده و وسیعی خواهد داشت؛ زیرا الگویی همان ابرمردی است که تمام دنیا در نظرش از یک برگ درخت کم‌ارزش‌تر بود. در نتیجه او آن چنان به خدا دل

در برابر درهای گشوده می‌بیند، مقدمات هر کار فراهم است و بن‌بست و گرهی در برابر او نیست.

گاهی تنگی معیشت به این علت نیست که درآمد کمی دارد. ای بسا! پول و درآمدش هنگفت است؛ ولی بخل و حرص و آز، زندگی را بر او تنگ می‌کند؛ نه تنها میل ندارد در خانه‌اش باز باشد و دیگران از زندگی او استفاده کنند؛ بلکه گویی نمی‌خواهد آن را به روی خویش بگشاید. چنین فردی، به فرموده علی علیه السلام همچون فقیران زندگی می‌کند و همانند اغنیا و ثروتمندان حساب پس می‌دهد.

«عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعِجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبٌ وَيَقْوَةُ الْغِنَى الَّذِي آيَاهُ طَلَبُ قَيْعِشٍ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَيُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ»^۱ از بخیل در شگفتم که برای رسیدن به فقری که از آن گریزان است، شتاب می‌ورزد و به آن بی‌نیازی که خواستار آن است دسترسی پیدا نمی‌کند؛ در دنیا همچون فقیران زندگی می‌کند، و در آخرت باید حسابی چون حساب ثروتمندان پس دهد.»

قرآن کریم عامل اصلی این مسائل

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶.

۲. طه/۱۲۴.

۳. تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، قم، انتشارات اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۰۵.

همچنین در جای دیگر در باره گروهی از گنه کاران لجوج و عنود می فرماید: «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۳ «خداوند بر دلهای آنها مهر نهاده، و همچنین بر گوشها و بر چشمهایشان پرده ای فرو افتاده است و برای آنها عذاب بزرگی است.»

در آیه دیگری می خوانیم: «فَأَنهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»^۴ «چشمهای ظاهر، نابینا نمی شود؛ بلکه دلهایی که در سینه ها جای دارد، نابینا می شود.»

آری، بدترین اثر گناه و ادامه آن، تاریک ساختن قلب، و از میان بردن نور علم و حس تشخیص است. گناهان از اعضا و جوارح به سوی قلب سرازیر می شود، و قلب را به یک باتلاق متعفن و گنبدیده مبدل می سازد. اینجاست که آدمی، راه و چاه را تشخیص نمی دهد، و مرتکب

می بندد که جهان در نظرش کوچک می شود و زندگی اش وسعت می یابد؛ اما آنها که این الگوها را فراموش کنند، در هر شرایطی، گرفتار زندگی سخت هستند.

۲. زنگار قلب

قلب برخی انسانها به سبب اعمالشان زنگار گرفته، و نور و صفای فطری نخستین را از دست داده است. به همین دلیل، چهره حقیقت که همچون آفتاب عالمتاب می درخشد، هرگز در آنان بازتابی ندارد، و پرتو انوار وحی در وجودشان منعکس نمی شود. قرآن در باره این افراد می فرماید: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۱ «چنین نیست که آنها می پندارند؛ بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهایشان نشسته است.»

آیات متعددی از قرآن با صراحت از تأثیر گناه در تاریک ساختن دل، سخن به میان آورده و بر آن تأکید کرده است؛ چنان که در سوره مؤمن می فرماید: «كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ»^۲ «خداوند، این گونه بر قلب هر متکبر طغیانگری مهر می نهد.»

۱. مطففین / ۱۴.

۲. مؤمن / ۳۵.

۳. بقره / ۷.

۴. حج / ۴۶.

می کرده‌اند؛ چنان‌که امام حسن عسکری علیه السلام از خداوند، این‌گونه طلب می‌کند: «أَسْأَلُكَ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي طَاعَتِكَ»^۲ خدایا! از تو می‌خواهم عمرم را برای اطاعتت طولانی فرمایی.»

طبق روایات متعددی از ائمه اطهار علیهم السلام همان‌گونه که برخی کارها، باعث افزایش عمر انسان می‌شود، برخی موارد نیز از عمر انسان می‌کاهد. یکی از آنها، گناه است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «تَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَتُقَرِّبُ الْأَجَالَ وَتُخْلِي الدِّيَارَ وَهِيَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَالْعُقُوقُ وَتَرْكُ الْبِرِّ»^۳ به خدا پناه می‌بریم از گناهایی که نابودی را شتاب دهند و مرگها را نزدیک سازند و خانه‌ها را ویران کنند و آنها قطع رحم، و آزدن و نافرمانی پدر و مادر، و واگذاردن احسان و نیکی است.»

و نیز می‌فرماید: «مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ

اشتباهات عجیبی می‌شود که همه را حیران می‌کند؛ یعنی با دست خود تیشه به ریشه سعادت خویش می‌زند و سرمایه خوشبختی خویش را به باد فنا می‌دهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَذْنَبَ كَانَتْ تُكْتَبُ سَوْدَاءَ فِي قَلْبِهِ فَإِنْ تَابَ وَتَزَعَّ وَاسْتَغْفَرَ صَقَلَ قَلْبَهُ مِنْهُ وَإِنْ زَادَ زَادَتْ فَذَلِكَ الرَّيْزُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۱

هنگامی که بنده گناه کند، نکته سیاهی در قلب او پیدا می‌شود، اگر توبه کند و از گناه دست بردارد و استغفار کند، قلبش را از گناه صیقل داده است و اگر گناه را زیاد کند، سیاهی افزون می‌شود [تا تمام قلبش را فرا می‌گیرد]. این، همان زنگاری است که خداوند در قرآن ذکر کرده است: «چنین نیست که آنها می‌پندارند؛ بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهایشان نشسته است.»

۳. کوتاهی عمر

عمر، بزرگ‌ترین سرمایه اهل ایمان برای کسب درجات عالیه است؛ از اینرو اولیای الهی، همیشه طول عمر خویش را از خداوند منان طلب

۱. روضة الواعظین، محمّد بن حسن فتال نیشابوری، قم، انتشارات رضی، ج ۲، ص ۴۱۴.
 ۲. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۵۸.
 ۳. الکافی، ج ۲، ص ۴۴۸.

کردند، و خدا [نیز] آنها را فراموش کرد
[و رحمتش را از آنها قطع کرد].»

۵. مستجاب نشدن دعا

دعا مهم ترین راه ارتباط با خالق
هستی و تنها راه جلب توجه خداوند
متعال به خویش است؛ چنان که قرآن
می فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا
دُعَاؤُكُمْ»^۷؛ «بگو: پروردگارم برای شما
ارج و ارزشی قائل نیست، اگر دعای
شما نباشد.»

همچنین معصیت، سبب سلب
توفیق، از بین رفتن حال معنوی هنگام
دعا، و نیز باعث حبس دعا می شود و
چنین است که دعا مستجاب نمی شود.
امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ
يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَّةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَاؤُهَا
إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ إِلَى وَفْتٍ بَطِيءٍ فَيُذْنِبُ
الْعَبْدُ ذَنْبًا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَكٍ لَا تَقْضِ

أَكْتَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ؛^۱ کسانی که بر اثر
گناهان می میرند، بیش ترند از کسانی که
بر اثر رسیدن اجل می میرند.»

۴. فراموشی

گناه، باعث فراموشی می شود.
فراموشی، عوامل مختلف فیزیوژیکی
و روانی می تواند داشته باشد. نافرمانی
خدا، یکی از آن عوامل به شمار می آید.
رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از عقوبت‌های الهی
برای گناهکاران را ضعف قوه یادآوری
بیان کرده، می فرماید: «اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّهَا
مَسْحَقَةٌ لِلْخَيْرَاتِ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ
فَيَنْسَى بِهِ الْعِلْمَ الَّذِي كَانَ قَدْ عَلِمَهُ»^۲ از
گناهان دوری کنید که نیکبها را از بین
می برد. آدمی مرتکب گناهی می شود و
بر اثر آن، علمی که قبلاً فرا گرفته را
فراموش می کند.»

افزون بر اینکه معصیت باعث
می شود انسان، خود را از یاد ببرد،
سبب فراموشی مرگ و قیامت،^۳ گناهان
گذشته و^۴ نشانه‌های الهی^۵ می شود و
در نتیجه باعث می شود انسان، خداوند
متعال را فراموش کند؛ چنان که قرآن
کریم در باره چنین افرادی می فرماید:
«تَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ»^۶؛ «خدا را فراموش

۱. الامالی، شیخ طوسی، قم، انتشارات دار

الثقافة، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۰۱.

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۷۷.

۳. اعراف / ۵۱.

۴. مجادله / ۶.

۵. طه / ۱۲۶.

۶. توبه / ۶۷.

۷. فرقان / ۷۷.

منوال، انکار یکتایی خدا و الحاد و کفر در دین خدا، آلوده می‌سازد.»

۷. عذاب الهی در آخرت

قرآن مجید، عذاب سخت و آتش سوزان قیامت را از آثار نافرمانی خدا برشمرده، می‌فرماید: «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَيْفَتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^۳؛ «و آنها که اعمال بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می‌شوند [و به آنها گفته می‌شود] آیا جزایی جز آنچه عمل می‌کردید، خواهید داشت؟!»

در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يَغْنَصِ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا»^۴؛ «هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند، آتش دوزخ از آن اوست و جاودانه در آن می‌ماند.»

شاید برخی ادعا کنند که ما هر چقدر گناه می‌کنیم، نه تنها سختی و

حَاجَتُهُ وَآخِرُهُ إِيَّاهَا فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَاسْتَوْجَبَ الْجَزْمَانَ مِنِّي»^۱؛ «بسنده‌ای حاجتی را از خداوند می‌خواهد، و اقتضاء این است که خداوند، حاجت او را یا در وقتی نزدیک و یا در مدتی طولانی برآورده کند. [در این فاصله،] بنده‌ای که طلب حاجت کرده است، مرتکب گناهی می‌شود، خداوند به فرشته [مأمور برآوردن خواسته‌های او،] دستور می‌دهد حاجتش را بر نیاور و محروم کن! زیرا او خود را در معرض خشم من قرار داده و مستحق محرومیت از ناحیه من شده است.»

۸. الحاد و انکار

رسول اکرم ﷺ در ضمن گفتاری فرمود: «فَإِنَّ الْمَعَاصِيَ يَسْتَوْلِي بِهَا الْخِذْلَانُ عَلَى صَاحِبِهَا حَتَّى تُوقِعَهُ فِي رَدِّ وَلَايَةِ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَرَفَعِ ثُبُوءَ نَبِيِّ اللَّهِ وَلَا يَزَالُ أَيْضًا بِذَلِكَ حَتَّى تُوقِعَهُ فِي دَفْعِ تَوْجِيدِ اللَّهِ وَالْإِلْحَادِ فِي دِينِ اللَّهِ»^۲؛ همانا گناهان، بی‌یاری و یاور و رسول خدا ﷺ را بر گناه کار مسلط می‌کند تا آنجا که او را به ردّ ولایت و امامت وصی رسول خدا ﷺ و انکار نبوت پیامبر ﷺ و به همین

۱. الاختصاص، شیخ مفید، قم، انتشارات کنگره

جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۱.

۲. مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱، ص

۳۲۷.

۳. نمل / ۹۰.

۴. جن / ۲۳.

گناه، باعث فراموشی می شود. فراموشی، عوامل مختلف فیزیوژنیک و روانی می تواند داشته باشد. نافرمانی خدا، یکی از آن عوامل به شمار می آید

چند دید از من گناه و جرما
وز کرم یزدان نمی گیرد مرا
حقتعالی گفت در گوش شعیب
در جواب او فصیح از راه غیب
که بگفتی چند کردم من گناه
وز کرم نگرفت در جرمم اله
عکس می گویی و مغلوب ای سفیه
ای رهسا کرده ره و بگرفته تبه
چند چندت گیرم و تویی خیر
در سلاسل مانده ای پا تا به سر
زنگ تو بر توست ای دیگ سیاه
کرد، سیمای درونت را تباہ
بر دلت زنگار بر زنگارها
جمع شد تا کور شد ز اسرارها
یعنی تو بر عکس فکر می کنی. اگر
خداوند، تو را عقوبت می کرد و تو
قابلیت چنین مجازاتی را داشتی، آن
وقت ممکن بود عقوبت تو، عذاب
نباشد؛ بلکه لطف و رحمت باشد؛ زیرا
احیاناً سبب بیداری تو می شد؛ اما آنچه
اکنون، گرفتار آن هستی، صد در صد
عقوبت است.^۱
ادامه دارد....

تنگدستی مشاهده نمی کنیم؛ بلکه هر
روز زندگی ما بهتر می شود. در جواب
این گونه افراد باید گفت: اولاً: بسیاری
از نکبتها و کمبودها در زندگی به علت
سریچی از فرمان خدا پدید می آید؛ در
حالی که انسان، علت آن را نمی داند و
ثانیاً: این سؤالی است که مردی از
شعیب پیامبر علیه السلام پرسید و گفت: «چرا
من این همه گناه می کنم؛ ولی خداوند
مرا عقوبت نمی کند؟» از سوی خداوند
متعال پاسخ آمد: «تو گرفتار بدترین
عقوبتها هستی و نمی دانی.» مولوی این
داستان را این گونه بیان می کند:

آن یکی می گفت در عهد شعیب

که خدا از من بسی دیده است، عیب

۱. عدل الهی، مرتضی مطهری، ص ۱۶۰.